

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان پژوهش و نشر

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بیامی از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر بر آیه است جایگاه دانشگاه در اتمای فرسنگ و تمدن بشری، ماد انشویان و اعضاء هیات علمی و انشاه آزاد اسلامی متهمدی کردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تحفی نگنیم:

- ۱- اصل برات: التزام بر برات جویی از حرکت رفتار غیر خرفزای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شایه های غیر علمی می آلائند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تمهید به رواج دانش و اسامه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تمهید به رعایت حریم باور حرمت با انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان، دو کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تمهید به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تمهید به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن بهر شرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه و حکمت اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان:

اتحاد عقل، عاقل و معقول از دیدگاه فلوطین و ملاصدرا

استاد راهنما:

دکتر محمد کاظم رضازاده جودی

استاد مشاور:

دکتر مهدی نجفی افرا

پژوهشگر:

محمد رضا عیسی پور

زمستان ۱۳۹۲

تقدیم به:

پیشگاه مقدس قطب عالم امکان، امید و ناجی مستضعفان حضرت ولی عصر
(عج)؛

و تقدیم به مادرم؛

تندیس صبر و استقامت، اسطوره مهر، وجودی که ناتوان شد تا به توانایی رسم.
عمری به پایم نشست، روحش خسته شد تا به آسایش و آرامش دست یابم.
بر دست‌های رنجور و ناتوانش که لطافت زندگی را برایم مهیا ساخت، بوسه می‌زنم

تقدیم به، همسر عزیزم و فرزندانم؛

که همواره به آنها عشق می‌ورزم، البته در راه اعتلایم از هیچ صبر و کوششی فروگذار نکرده و
در تمامی ایام مشوق و یار و پشتیبانم بودند
و تقدیم به آنانی که به من درس انسانیت و انسان‌گونه زیستن را آموختند.

سپاسگزاری:

سپاس بی پایان خداوندی را که شایسته است که انسان را نعمت عقل، دانش، اندیشه و پژوهش عطا فرمود.

از استاد عزیز، فرزانه و معلم اخلاق و حکمت و مؤلف توانا و برجسته، جناب آقای دکتر «رضازاده جودی» که در تدوین و نگارش این پایان نامه راهنمای اینجانب بودند و همچنین از استاد ارزشمند و گرانمایه جناب آقای دکتر «نجفی افرا» به عنوان استاد مشاور در این پژوهش بودند، صمیمانه سپاسگزارم.

از اساتید گروه فلسفه و الهیات خصوصاً جناب آقای دکتر «افشار کرمانی» و جناب آقای دکتر «اکوان» که افتخار شاگردیشان را داشته‌ام و همچنین از سرکار خانم دکتر «نفیسه فیاض بخش» که کار داوری این رساله را به عهده دارند، همچنین از برادران «حسینی نیکو» که در ایام تحصیل پشتیبان و یاری‌ام نمودند کمال تشکر و قدرشناسی و امتنان را دارم.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب محمدرضا عیسی پور دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۰۰۸۵۴۴۸۱ در رشته الهیات و معارف اسلامی - فلسفه و حکمت اسلامی که در تاریخ ۹۲/۱۱/۲ از پایان نامه خود تحت عنوان: اتحاد عقل، عاقل و معقول از دیدگاه فلوپین وملاصدرا

با کسب نمره ۱۹ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در موارد که دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام .

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ: ۹۲/۱۱/۲

دانشجوی کارشناسی ارشد محمد رضا عیسی پور از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۹

بحروف نوزده و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول: کلیات تحقیق
۷	۱-۱- بیان مسأله تحقیق
۸	۱-۲- هدف‌های تحقیق
۸	۱-۳- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن
۸	۱-۴- فرضیات و پرسش‌ها
۹	۱-۵- پاسخ فرضیات و پرسش‌ها
۱۰	۱-۶- چهارچوب نظری تحقیق
۱۰	۱-۷- مدل تحقیق: تحلیلی و توصیفی
۱۰	۱-۸- روش تحقیق
	فصل دوم: بررسی اقانیم سه گانه از دیدگاه فلوطین
۱۲	بخش اول- بررسی اقانیم سه گانه از دیدگاه فلوطین
۱۲	۱-۲- مختصری از شرح احوال و زندگی‌نامه‌ی فلوطین
۱۵	۲-۲- پیشینه تاریخی بحث قاعده‌ی اتحاد عقل، عاقل و معقول
۱۷	۲-۳- سه اقوم اصلی در فلسفه‌ی فلوطین
۱۸	۲-۳-۱- احد از دیدگاه فلوطین
۲۴	۲-۳-۲- عقل و جایگاه آن در فلسفه‌ی فلوطین
۳۴	۲-۳-۳- نفس یا روح و جایگاه آن در فلسفه‌ی فلوطین
۴۱	۲-۴- برترین اقوم از اقانیم سه گانه فلوطین پس از واحد نخستین و دلایل آن
۴۴	بخش دوم- اتحاد عقل، عاقل و معقول از دیدگاه فلوطین
۴۴	۱-۲- تفاوت عالم معقول و عالم محسوس در فلسفه‌ی نوافلاطونی فلوطین
۴۹	۲-۲- فلوطین وحدت وجودی است
۵۱	۲-۳- علم و ادراک از دیدگاه فلوطین
۵۳	۲-۴- مراد از معقول چیست؟

- ۵-۲- اثبات اتحاد عقل، عاقل و معقول از دیدگاه فلوطین ۵۵
- ۶-۲- دلایل اثبات اتحاد و یگانگی بین عقل، عاقل و معقول از دیدگاه فلوطین ۶۴
- ۷-۲- نفس انسانی و اتحاد عقل و عاقل و معقول در فلسفه فلوطین ۶۷
- فصل سوم: بررسی علم، ادراک، عقل و نفس از دیدگاه ملاصدرا
- بخش اول- بررسی علم، ادراک، عقل و نفس از دیدگاه ملاصدرا ۷۲
- ۱-۳- شرح احوال و زندگی نامه و آثار ملاصدرا ۷۲
- ۳-۳- عقل و کاربردهای مختلف آن ۷۶
- ۴-۳- مراتب عقل نظری در انسان ۸۱
- ۳-۴-۱- اولین مرتبه: «عقل هیولانی» ۸۱
- ۳-۴-۲- دومین مرتبه: «عقل بالملکه» ۸۲
- ۳-۴-۳- سومین مرتبه: «عقل بالفعل» ۸۳
- ۳-۴-۴- چهارمین مرتبه: «عقل مستفاد» ۸۴
- ۵-۳- مراتب عقل عملی در انسان ۸۵
- ۶-۳- حقیقت نفس و چگونگی آن از نظر ملاصدرا ۸۶
- ۷-۳- تجرّد نفس و حقیقت انسان از نظر ملاصدرا ۸۸
- ۸-۳- اتحاد نفس با عقل از نظر ملاصدرا ۸۹
- بخش دوم- اتحاد عقل، عاقل و معقول از دیدگاه ملاصدرا ۹۱
- ۱-۳- لزوم تجرّد عاقل از ماده از دیدگاه ملاصدرا ۹۱
- ۲-۳- بیان دیدگاه‌های مختلف در مورد نظریه «کل عاقلٍ فهو معقولٌ» ۹۲
- ۳-۳- حرکت جوهری ۹۴
- ۴-۳- امکان تعلقات کثیر به نحو دفعی از دیدگاه ملاصدرا ۹۶
- ۵-۳- مجردات مدرک ذات خود هستند ۹۷
- ۶-۳- قاعده تضایف و رابطه آن با اتحاد عاقل و معقول ۹۸
- ۷-۳- برهان تضایف و ارتباط آن با اتحاد حاس با محسوس ۱۰۲
- ۹-۳- اتحاد جوهر عاقل و معقول یا اتحاد مدرک و مدرک ۱۰۴
- ۱۰-۳- دیدگاه ابن سینا در اتحاد عاقل و معقول ۱۰۵
- ۱۱-۳- اتحاد عقل، عاقل و معقول از نظر صدرالمتألهین ۱۰۶

۱۱۱.....	۳-۱۲- اتحاد عاقل و معقول به فطرت ثانیه از دیدگاه ملاصدرا.....
۱۱۳.....	۳-۱۳- اتحاد عاقل و معقول در خصوص انسان.....
۱۱۷.....	۳-۱۴- اثبات اتحاد عاقل و معقول از دیدگاه صدرالمتهین.....
۱۲۰.....	فصل چهارم: وجوه اختلاف و اشتراک دیدگاههای فلوطین و ملاصدرا در اتحاد عقل، عاقل و معقول مقدمه.....
۱۲۲.....	۴-۱- اختلاف فلوطین و ملاصدرا در زندگی و آثار.....
۱۲۳.....	۴-۲- اختلاف نظر فلوطین و ملاصدرا در مورد نخستین اقنوم یا علت هستی بخش.....
۱۲۴.....	۴-۳- اختلاف نظر فلوطین و ملاصدرا در «عقل».....
۱۲۶.....	۴-۴- اختلاف نظر فلوطین و ملاصدرا در «نفس».....
۱۲۷.....	۴-۵- اختلاف نظر فلوطین و ملاصدرا در بحث اتحاد عقل، عاقل و معقول.....
۱۳۰.....	۴-۶- اختلاف نظر فلوطین و ملاصدرا در علم (ادراک).....
۱۳۴.....	۴-۷- اشتراک نظر فلوطین و ملاصدرا در بحث تعقل.....
۱۳۴.....	۴-۸- اشتراک نظر فلوطین و ملاصدرا در بحث اتحاد.....
۱۳۴.....	۴-۹- اشتراک نظر فلوطین و ملاصدرا در ایجادکننده ی نخستین.....
۱۳۵.....	۴-۱۰- اشتراک نظر فلوطین و ملاصدرا در «اتحاد عاقل و معقول».....
۱۳۵.....	۴-۱۱- اشتراک نظر فلوطین و ملاصدرا در «علیت».....
۱۳۵.....	۴-۱۲- اشتراک نظر فلوطین و ملاصدرا در «معقول».....
۱۳۶.....	۴-۱۳- اشتراک نظر فلوطین و ملاصدرا در مورد امور مجرد.....
۱۳۷.....	نتیجه گیری.....
۱۴۱.....	پیشنهادات.....
۱۴۲.....	فهرست منابع و مآخذ.....

چکیده

پژوهش حاضر به تبیین دیدگاه‌های فلوطین و ملاصدرا در مورد اتحاد عقل، عاقل و معقول می‌پردازد که از مباحث معرفت‌شناسی است، زیرا درصدد تبیین ماهیت علم است.

پس از بیان کلیات، در فصل دوم، دیدگاه فلوطین بیان می‌شود. به نظر وی عقل، عاقل و معقول در عقل کلی و حقیقی متحدند و وحدت عقل به این معناست که با موضوعش یکی است؛ پس عقل که ذاتی عاقل دارد، عاقل صرف نیست، بلکه هم عاقل است و هم معقول.

در فصل سوم دیدگاه ملاصدرا اینگونه بیان می‌شود که هر ادراکی اعم از حسی یا عقلی فقط به طریق اتحاد بین مدرک و مدرک است. نفس در مقام حس با صورت محسوسی که در ذات خود ایجاد کرده متحد می‌گردد و محسوس یکی است و در مقام عقل با صور عقلی متحد می‌گردد. پس عقل، عاقل و معقول با هم اتحاد دارند.

فصل چهارم به وجوه اشتراک و اختلاف می‌پردازد: اشتراک نظرشان این است که نه تنها عاقل و معقول اتحاد دارند، بلکه حاس و محسوس، متخیل و متخیل و به طور کلی مدرک با مدرک متحدند.

ملاصدرا نظر فلوطین را در اتحاد عاقل و معقول در علم خداوند به اشیاء، جدا از نظر خود می‌داند. به نظر فلوطین علم حق به موجودات این است که ذات خداوند در عین وحدت به نحو پیشین با صور عقلی اشیاء متحد است، تفاوت مدعایشان بدین نحو است که اولاً ملاصدرا این مدعا را بر اساس اینکه وجود خداوند وجودی برتر از ماهیات است تبیین کرده؛ برخلاف فلوطین که با مبانی فلسفی خود آن را تبیین می‌کند، ثانیاً بنابر مدعای فلوطین علم ذاتی خداوند به اشیاء فقط شامل ماهیات آنهاست نه وجوداتشان، مگر بالعرض. در حالی که بنابر مدعای ملاصدرا علم مذکور اولاً و بالذات شامل وجودات اشیاست، ثانیاً و بالطبع شامل ماهیات آنها.

تفاوت دیگر اینکه ملاصدرا با تمسک به قاعده تضایف، حرکت جوهری و... بحث اتحاد عاقل و معقول را استدلالی کرده است.

کلید واژه‌ها: فلوطین، ملاصدرا، عقل، عاقل، معقول بالذات، معقول بالعرض، اتحاد، علم حضوری.

مقدمه

قاعده اتحاد عقل، عاقل و معقول در آغاز به فیلسوف معروف نوافلاطونی به نام فروریوس نسبت داده شده است. وی یکی از شاگردان معروف فلوطین و از گردآورندگان آثار ایشان بوده است. فروریوس در کتابی که به نام مقدمه نوشته، عقیده فلوطین را توجیه می‌نماید. در کتابی دیگر به نام زندگی فلوطین اطلاعات جالبی را درباره استاد خود می‌دهد. بنابراین قاعده اتحاد عاقل و معقول از جمله مسائلی است که سابقه آن به دوره قبل از اسلام می‌رسد.

چون ترتیب و نگارش کلیات پنج‌گانه به وسیله فروریوس به عمل آمده در مباحث فلسفی نام او اکثراً به صاحب ایساغوجی یاد می‌گردد، در بحث وجود ذهنی صور معقوله را اصولاً با ماهیات خارج معادل نمی‌داند و می‌گوید: «معقولات با نفس عاقل یگانگی مخصوصی دارند و همان طور که در موجودات خارجی، هستی همان خارج و خارج همان هستی است. در معقولات ذهنی نیز هستی با ذهن، مغایرت ندارد؛ بلکه هستی با ذهن و ذهن با صورت‌های خود یک نوع وحدت و هماهنگی دارند، این نظریه را در فلسفه اتحاد عاقل و معقول گویند». (حائری یزدی، علم کلی، ص ۶۵، بی‌تا)

قاعده اتحاد عاقل و معقول یکی از مباحث مهم سنتی در تاریخ فلسفه به ویژه در پیوند با نظریه شناخت است. ما این مبحث را در شکوفاترین شکل آن و پیش و بیش از هر جا نزد بنیانگذار آن فلوطین می‌یابیم. وی به مسأله عقل و معقول به دو انگیزه می‌پردازد و در این رهگذر به نظریه اتحاد عاقل و معقول می‌رسد.

انگیزه نخست شرایط و مقتضیات شناخت عقلی در مقایسه با شناخت حسی و انگیزه دوم وجود خودآگاهی و نحوه‌های آن در انسان است.

به نظر فلوطین عقل حقیقی که از واحد نخستین یعنی اقنوم اول صادر گردیده است، دچار خطا نمی‌شود، حقیقت را نمی‌توان در حواس یافت، بلکه حاصل آنها یک گمان است. بنابراین وی ادراک عقلی را خطاناپذیر می‌داند؛ زیرا شناخت عقل بر پایه حدسیات یا مبهمات یا مسموعات قرار ندارد، حتی به برهان هم نیازمند نیست، چون بدهات آنها در خودش است، بدین سان عقل، حقیقت را در خود خواهد داشت، دچار فراموشی نخواهد شد و در جست و جوی معقولات برنخواهد آمد بلکه خودش مقرر موجودات خواهد بود. عقل با دیدن خود، خویش را نااندیشنده نمی‌بیند؛ بدین سان در نخستین اندیشیدن، عقل می‌اندیشد که می‌اندیشد؛ زیرا عقل حقیقی هنگام اندیشیدن به خود می‌اندیشد نه به معقولی بیرون از خودش هنگامی که عقل موجودات را می‌بیند، خود را می‌بیند و آنچه بالفعل می‌بیند فعل خودش یعنی خودش است. عقل و اندیشیدن یکی است و به همه

می‌اندیشد، اما اگر اندیشیدن و اندیشنده جز یکی نیستند، دلیل بر آن است که اندیشنده (عاقل) به خود می‌اندیشد، اندیشه، اندیشیده را دربر می‌گیرد و همان اندیشیده خودش می‌شود. از سوی دیگر این امر هنگامی روی می‌دهد که عقل یا اندیشیدن بالفعل باشد، زیرا اگر اندیشیدن و اندیشیده همانند یکی اند پس اندیشیده نیز گونه‌ای فعل یا فعلیت است، چون نه چیزی بالقوه است و نه همچون سنگ یا چیزی بی‌جان، محروم از زندگی است. اندیشیده یا معقول نخستین جوهر است. پس یک فعل است، بلکه می‌توان گفت که اندیشیدن نخستین و زیباترین فعل است. بنابراین اگر اندیشه یک فعل است و اگر جوهر آن فعل اوست، پس با فعل خود یکی و همانند خواهد بود، زیرا در فعلیت موجود و معقول یکی است. بدین سان فلوطین به این نتیجه می‌رسد که عقل، عاقل و معقول همه همزمان یکی‌اند و معتقد است که خود عقل، هم معقول است و هم عاقل. (فلوطین، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۷۴۴-۶۶۶)

صدرالمتألهین نیز از جمله کسانی است که اتحاد عاقل و معقول را پذیرفته است. مقدماتی را که ملاصدرا نه برای اثبات اتحاد عاقل و معقول بلکه هر مدرک بالذاتی با مدرک خود مبرهن نموده است در کتبش متفرق است؛ مانند اصالت وجود و حدوث جسمانی نفس و اتحاد علت و معلول (به حسب حقیقه و رقیقه) و بیان آنکه نفس ناطقه کل القوا است و اثبات آن که علم مطلقاً برگشتش به یک نحوه از وجود مجرد است و داخل در مقوله کیف و از اعراض متأخره از وجود معروض نیست و تقریر آنکه متضایفین از اقسام تقابلی که اطراف آن مجتمع نشوند نیستند، برخلاف تقابل سلب و ایجاب و عدم و ملکه و تضاد که با برهان ثابت شده است که به وجه من الوجوه اطراف آن مجتمع نشوند و تثبیت این معنا که سلوک اشیاء به طرف مبادی خود است و بالأخره موجودات به اصل خود خواهند پیوست. و تحقیق آن که ترکیب ماده و صورت اتحاد است و به وجود احد موجودند و تبیین این معنا که شیء واحد در سلوک تدریجی ممکن است جامع کمالات مختلف و منشأ انتزاع معانی و مفاهیم متعدد شود و هرچه وجود قوی‌تر و کامل‌تر شود. مفاهیم متعدد بیشتر از آن انتزاع خواهد شد و شیء در سلوک تدریجی و استکمال جوهری فعلیت بر فعلیت می‌افزاید و هر صورتی زمینه و ماده است برای صورت دیگری که از استکمال حاصل می‌شود و نفس ناطقه به حسب بدو وجود، ماده از برای صور عقلی و خیالی و حسی است و صورت‌ها یکی بعد از دیگری منشأ استکمال جوهری و قوت وجودی نفس می‌شوند و ممکن نیست نفس در ابتدای وجود، جوهر مجرد متحصّل بالفعل باشد ملاک فعلیت و تجردش ادراکات است.

این قبیل از تحقیقات، صدرالمتألهین را موفق به اثبات اتحاد عقل، عاقل و معقول کرده است.

مطلبی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که ملاصدرا معتقد است که قبل از وی هیچ کس این مسأله را با توجه به اهمیتی که داشته تنقیح و تحقیق نکرده است، اما حق این است که مسأله اتحاد عاقل به معقول در کتب عرفان مثل «مصباح الانس» و بعضی اشعار جلال‌الدین رومی مورد توجه بوده است. چنان که در کتاب نصوص صدرالدین قونوی چنین بیان گردیده است:

«أعلم ان اعلى درجات العلم بالشيء، اي شيء كان و بالنسبة الى اي عالم كان و سواء كان المعلوم شيئاً او احداً و اشياء انما يحصل بالاتحاد بالمعلوم و عدم مغايرة العالم له...» (قونوی، ۱۳۲۵: ص ۱۹۷)

بدان که بالاترین درجات علم به هر چیز و برای هر عالمی فرق نمی‌کند که معلوم یک شیء باشد یا چند شیء، صرفاً با اتحاد با معلوم و عدم مغایرت عالم با آن حاصل می‌شود.

بحث اتحاد عاقل و معقول از جمله بحث‌هایی است که پیرامون علم و ادراک می‌چرخد. به همین دلیل برای وارد شدن به این بحث ابتدا باید به مقدماتی در مورد علم پردازیم و بعد به تعریف علم و اقسام آن و اینکه علم انسان به نفس خودش حضوری است و... پردازیم.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «فلينظر الانسان إلى طعامه». (عبس/۲۵)

امام جعفر صادق در تفسیر این آیه در جواب زید شحام که از آن جناب سؤال کرد: ما طعامه؟ فرمود: «علمه الذي يأخذه عمن يأخذه». (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۹)

موضوع در این آیه انسان است و انسان بماهو انسان، طعامی که غذای او و سازنده اوست علم و عمل اوست و علم همان عقل و معرفت است. از نظر ملاصدرا هر موجود معقول بالفعل که در مقام ذات با قطع نظر از هر غیر معقول است، عاقل بالفعل خویش نیز هست، به این ترتیب قاعده مهم اتحاد عاقل و معقول صورت تحقق می‌پذیرد.

برخی از فیلسوفان و حکمای دوره اسلام بحث اتحاد عاقل و معقول را شدیداً انکار کرده‌اند، از جمله مخالفان این نظریه ابن‌سینا فیلسوف بزرگ نظام مشائی است که قاعده اتحاد عقل، عاقل و معقول را مطرح و آن را رد می‌کند و در مورد فروریوس شاگرد فلوطین در کتاب اشارت و تنبیهات چنین می‌گوید: «پیشوای آنان شخصی بود که به نام فروریوس شناخته می‌شد؛ او کتابی درباره عقل و معقولات نوشته که فلاسفه مشاء از آن ستایش می‌کردند، در حالی که آنان می‌دانند که آن را درک نمی‌کنند». (ابن‌سینا، ۷۰۲، بی‌تا)

و پس از آن ابن‌سینا در همان کتاب در مورد عقیده کسانی که به اتحاد عاقل و معقول اعتقاد دارند که منظور ایشان فلوطین و شاگردش فروریوس است می‌گوید: «آنان می‌پندارند که هر گاه

جوهر عاقل، صورت معقوله را تعقل نماید بین عاقل و معقول هوهویت برقرار می شود». (همان، ص ۷۰۱)

یعنی هیچ گونه تفاوت و ثنویت در میان آنها موجود نخواهد بود. در مقابل، صدرالمتألهین درباره اتحاد عاقل و معقول اعتقادش بر این است که وجود عاقل عین وجود معقول است و صورت مجرد از ماده چون معقول بالفعل و بالذات است و شأنی غیر از معقولیت ندارد، چنین حقیقتی باید معقولیت عین ذاتش باشد و توقف آن جهت معقولیت به امری به ورای ذات خود مستلزم انفکاک معقول بالفعل از عاقل بالفعل است. پس اگر وجود معقول جز وجود نفسی خود چیزی نباشد ناگزیر باید خود عاقل باشد، زیرا هر معقولی به حکم تضایف عاقل لازم دارد، این برهان در ادراکات وهمی، حسی و خیالی نیز جاری می شود. (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۱۵-۳۱۴)

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسأله تحقیق

فلوطین از فیلسوفان بزرگ نوافلاطونی است و نظریات بدیعی در مورد خدا، جهان و انسان دارد. از جمله دیدگاههای مهم او بحث اتحاد عقل، عاقل و معقول است؛ به نظر وی نه تنها عاقل با معقول اتحاد دارد بلکه حساس و محسوس و متخیل و متخیل و به طور کلی مدرک با مدرک اتحاد دارند. این نظریه در آثار فلوطین به ویژه اثولوجیا مطرح و تبیین‌هایی از آن با توجه به دیگر اصول مابعدالطبیعه او ارائه شده است، اما این نظریه نخستین بار در آثار فلاسفه‌ی اسلامی توسط شیخ‌الرئیس ابن سینا به فروریوس نسبت داده شده است. ابن سینا نظریه وی را مردود و آن را محال دانسته است. سپس از ابن سینا ملاصدرا تنها فیلسوفی است که به دفاع از این قاعده و فلوطین و فروریوس پرداخته است و آن را در آثار مختلف خود به ویژه اسفار مطرح و دلایلی برای اثبات آن آورده است. ملاصدرا پیشینه‌ی تاریخی این قاعده را به فلوطین نسبت داده و به موارد متعددی از کتاب اثولوجیای فلوطین در تأیید نظریه، استشهاد کرده است.

مسأله‌ی اتحاد عقل، عاقل و معقول در آثار فلوطین به نحو استدلالی و برهانی مطرح نبوده است، اما در حکمت متعالیه صدرالمتألهین این نظریه ابتدا تبیین و سپس دلایلی برای آن ارائه کرده است.

در این تحقیق دیدگاه این دو فیلسوف تأثیرگذار در تاریخ فلسفه در مورد قاعده‌ی اتحاد عاقل و معقول ابتدا به روشنی تبیین و سپس دلایل هر کدام بر آن و ویژگیهای نظریه هر یک از آن دو و ابتکارات و نوآوری‌های ملاصدرا در مورد آن بررسی خواهد شد.

۱-۲- هدف‌های تحقیق

- ۱- بدست آوردن دیدگاه فلوطین و ملاصدرا درباره‌ی نظریه اتحاد عقل، عاقل و معقول و نحوه‌ی اتحادشان.
- ۲- موارد اشتراک نظر این دو فیلسوف در مورد اتحاد عقل، عاقل و معقول.
- ۳- موارد اختلاف نظر و دیدگاه این دو فیلسوف در موضوع گفته شده.
- ۴- بررسی و مقایسه دیدگاه دو فیلسوف درباره‌ی اتحاد عقل، عاقل و معقول و بدست آوردن نکات ابتکاری که ملاصدرا بر نظریات فلوطین اضافه کرده است.

۱-۳- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن

بحث اتحاد عقل، عاقل و معقول از بحث‌های قابل تأمل، اساسی و مهم در فلسفه است، لذا در طول تاریخ مورد بحث واقع گردیده است. این که گفته شده است عقل، عاقل و معقول با یکدیگر متحدند به چه معناست؟ آیا به این معناست که عاقل و معقول از هر جهت با یکدیگر اتحاد دارند؟ یا اینکه بین عاقل و معقول از جهتی اتحاد و یگانگی و از جهتی دیگر ثنویت و انفصال و غیریت وجود دارد. انتخاب این موضوع یافتن پاسخ صحیح درباره‌ی چگونگی اتحاد عقل، عاقل و معقول از سوی دو فیلسوف غربی و اسلامی یعنی فلوطین و ملاصدرا است و مقایسه‌ی دیدگاه‌های آن دو در نحوه‌ی بیان اتحاد عقل، عاقل و معقول بدست آوردن ابتکارات و نوآوری‌های ملاصدرا در این زمینه است.

۱-۴- فرضیات و پرسش‌ها

- ۱- آیا فلوطین بحث اتحاد عقل، عاقل و معقول را ارائه کرده است و ویژگی‌ها و دلایل آن کدام است؟
- ۲- مسأله‌ی اتحاد عقل، عاقل و معقول در حکمت متعالیه ملاصدرا چگونه طرح شده و ویژگی‌های آن کدام است؟
- ۳- موارد اشتراک میان فلوطین و ملاصدرا در مورد بحث اتحاد عقل و معقول کدام است؟

۱-۵- پاسخ فرضیات و پرسش‌ها

ج-۱- از دیدگاه فلوطین عقل، عاقل و معقول عین هم هستند و با هم متحدند، لذا عقل کلی که ذاتی عاقل و اندیشنده دارد عاقل صرف و تفکر محض نیست بلکه هم عاقل و اندیشنده است و هم معقول و اندیشه شده به این معنا که عقل، عاقل و معقول در عین اینکه سه عنوان مختلفی هستند، ذاتاً یکی و متحدند. بنابراین عقل هم عاقل و فاعل شناسایی است و هم معقول و متعلق شناسایی؛ زیرا در هستی خود از موضوع اندیشه‌اش جدا نیست بلکه در حالی که خود ساکن و ثابت است خود را می‌نگرد و به این گونه هر دو می‌شود در عین حال واحد می‌ماند. بنابراین از دیدگاه فلوطین عاقل و معقول یگانه و متحدند.

ج-۲- از دیدگاه ملاصدرا بحث اتحاد عقل، عاقل و معقول در علم به غیر در علم مجرد تام به غیر، در علم خداوند به اشیاء مشهود است. از نظر ملاصدرا هر ادراکی اعم از ادراک حسی و ادراک عقلی، فقط به طریق اتحاد بین مدرک و مدرک است. بدین گونه که نفس در مقام حس، با صورت محسوس که در ذات خویش خلق و انشاء کرده است متحد می‌گردد و حاس و محسوس یکی است و در مقام عقل، به صورت عقلیه‌ای که از سنخ ذات و جوهر اصلی اوست متحد می‌گردد. بنابراین عقل و عاقل و معقول هر سه یکی است.

از نظر ملاصدرا نفس انسانی زمانی که به مرتبه عقل بالفعل و بعد از آن به مرتبه عقل مستفاد می‌رسد، خودش عاقلی است که معقولات دیگر را تعقل می‌کند و آن معقولات جزء ذات او می‌شوند. نهایت اتحاد عاقل و معقول در مورد نفس، اتحاد با عقل فعال است.

بنابراین مبنای ملاصدرا اتحاد است همانگونه که علم، عالم و معلوم متحد است، عقل، عاقل، معقول نیز متحد است.

ج-۳- در اصل نظریه ملاصدرا و فلوطین در خصوص قاعده اتحاد عقل، عاقل و معقول مشترک است. یعنی نظریه ملاصدرا مؤید نظر فلوطین است. اما ملاصدرا نظریه را استدلالی و برهانی کرده است و دلایل متعددی برای اثبات آن اقامه فرموده است.